

آچارکشی

بسیار خجالت‌آور هستم، پس هستم

• **بوریا عالمی:** باهنر گفت: هشت میلیون بی‌کار داریم که حدود هفت تا هشت میلیون نیز بی‌کار پنهان هستند. این عملکرد بسیار خجالت‌آور است.

آچارکشی اول: مسئولان ما که سال‌ها مسئول ما بودند و مسئولیت آنها این بوده که جلو رفتارهای غیرمسئولانه را بگیرند و این کار برایشان مسئولیت ایجاد می‌کرده، اصولاً طوری حرف می‌زنند که انگار تا الان همه چیز دست‌زری‌گولو‌آسی‌پاسی دراکوتاتابه‌تا بوده. مثلاً آقای باهنر که از خارج یا مریخ تشریف نیاوردند که یک‌هوا با مسئله بی‌کاری روبه‌رو شوند. این دلاور هفت، هشت دوره نماینده مجلس بوده. اگر ما هفت، هشت دوره رئیس ساختمانمان بودیم و هنوز شیر آب حیاط چکه می‌کرد، خودمان خیلی نرم و نازک می‌رفتم در افق کم می‌شدیم.

آچارکشی دوم: از آنجا که آقای باهنر گفته هشت‌میلیون بی‌کار داشتن و هشت میلیون بی‌کار پنهان داشتن، «بسیار خجالت‌آور» است، ما به‌عنوان یک بی‌کار پنهان از طرف ۱۶ میلیون نفر بی‌کار پیدا و پنهان از مسئولان عذرخواهی می‌کنیم که با عملکرد خجالت‌آورمان آمار بی‌کاری را برديم بالا.

آچارکشی سوم: ما خودمان هروقت یک پول تپل می‌رسد دستمان، خوشی می‌زنند زیر دلمان و چند وقت کار نمی‌کنیم و می‌مانیم خانه پشت گوشمان را می‌خارنیم پس با این تحلیل، بعید نیست به دلیل عملکرد بسیار مشعشع مسئولان یک پول تپلی رسیده دست مردم که دیگر نیاز به کار نداشتند و خانه مانده‌اند. **آچارکشی چهارم:** بی‌کار پنهان هم چیز جالبی است. مثل بیمار پنهان. یعنی طرف دارد خرده‌خرده از بین می‌رود ولی خودش فکر می‌کند سالم است. طفلک ما. البته ما کلی هم مسئول پنهان داریم که مواجب می‌گیرند ولی مسئولیت نمی‌گیرند که از همین جا بهشان خسته‌نباشید می‌گویم.

آچارکشی پنجم: ما یک بار داشتیم از بی‌پول‌توجیبی داشتن تیکه‌تیکه می‌شدیم و شهریه مدرسه‌مان هم مانده بود و کفشان هم سوراخ بود و یخچال هم شده بود انباری، توش آجر نگه می‌داشتیم. بعد رفتم به بابامان انتقاد سازنده کنیم. تا بابامان ما را دید گفت: «واقعاً که. شهریه‌ها مانده، یخچال خالی است، پول‌توجیبی‌ها پرداخت نشده، کرایه عقب افتاده، کفش‌ها سوراخ شده و... واقعاً این عملکرد بسیار خجالت‌آور است». یک‌طوری بابای ما اعتراض جدی کرد که ما فکر کردیم مسئول این وضعیت ما هستیم. به‌همین دلیل از بابامان عذرخواهی کردیم که اوضاع خانه خراب است و از همان شب کودکان کار شدیم و دیگر به روی بابامان نیاوردیم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۴ • ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ • ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۰۴ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۶ • اذان مغرب ۱۷:۴۳ • اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۰۹

روزانه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

امین منتظری



گزارش فردا

تهران آلوده با اسطوره‌هایش چه می‌کند؟



زندگی در خانه‌ای بزرگ، در خیابان امام خمینی را به لقایش ببخش و راهی مهرشهر کرج شود. این اسباب‌کشی برای سن و سال او و با توجه به حجم کتاب‌های کتابخانه‌اش سخت بود اما خودش می‌گوید که در این جابه‌جایی شرایط ادامه کار برای او راحت‌تر از دیگران بوده است: «وقتی تصمیم به رفتن از تهران گرفتم، انتخاب برای من ساده‌تر از عزیزانسی بود که در حوزه‌های هنری و فرهنگی دیگری مشغول به فعالیت هستند، کار من با قلم و کاغذ است؛ نیاز به جایی داشتم که آرامش و پاکیزگی هوا داشته باشد تا بتوانم کارم را ادامه دهم». خروج او از تهران دلایل دیگری هم داشته اما حالا که به حاشیه تهران مهاجرت کرده، معنای تمیزی هوا را می‌فهمد: «تهران خصوصاً در محله‌های پرترددی مثل میدان امام دیگر جای نفس‌کشیدن نداشت،

سعید برآبادی: آلودگی هوا دارد تهران را از اسطوره‌ها و چهره‌های نام‌آورش خالی می‌کند. آنهایی که از نزدیک «همایون بهزادی»، سرطلابی فوتبال ایران و جهان را می‌شناختند، شاید ندانند که خیلی اهل شعر و ادبیات بود، اما می‌دانند که چند سال پیش، مجبور شد به علت آلودگی هوا، عطای تهران را به لقایش ببخشند و در «پردیس» خانه بخرد. حالا اما پسر مرحوم «فریبرز صالح»، که از کارگردانان بنام سینما بود و پنجشنبه گذشته دار فانی را وداع گفت، خبر داده که پدر او نیز گرفتار آلودگی هوای تهران شده و از تنگی نفس جان سپرده است! تا کجا قرار است این ذرات نامرئی، از کشته پشته بسازند که مسئولان و مردم دست‌به‌دست هم بدهند برای کاهش این سم نامرئی که در هوا موج می‌زند؟ در این میان، تهران که شهر آدم‌های معروف بود، شهر مشاهیر و چهره‌های سرشناس، اندک‌اندک دارد ستاره‌هایش را به شهرهای دیگر راهی می‌کند تا جانشان را نجات دهند. شاید باورش سخت باشد اما چهره‌های فراوانی تا به حال به موضوع مهاجرت از تهران فکر کرده‌اند، از عزت‌الله انتظامی گرفته تا جمشید مشایخی، از جلال ستاری گرفته تا علیرضا خمه.

جلال ستاری چند سال پیش مجبور شد عطای

همین حوالی

خانه سینما در نقش تشییع‌کننده

از ساختمان شماره دو خانه سینما برگزار می‌شود و مراسم تشییع زنده‌یاد فریبرز صالح در خانه سینما برگزار شده است. خانه سینما مکانی شده است که یاد و نام سینماگران را زنده نگه می‌دارد. مراسم تشییع «ایرج کریمی» را یادمان نرفته، فرصتی بود برای احترام به یک منتقد برجسته. اما فقط همین؟ خانه سینما، تنها نقشی که این روزها از خودش نشان می‌دهد همین است؟ ایفای نقش یک مکان برای تشییع از دست‌رفته‌گان. اما به نظر می‌رسد خانه سینما فقط یک مکان نیست، یک نهاد صنفی است که برای بازشدن‌اش تلاش بسیار شده است، هرچند انکار، مدیرعامل خانه سینما - رضا میرکریمی - که این روزها درحال ساخت فیلمش برای جشنواره فجر است، فقط این

نقش را برای یک نهاد صنفی، بیشتر دوست دارد. انجمن‌های تابعه خانه سینما فعالیت خاصی ندارند، شاید چون اتفاق مهمی هم نمی‌افتد. انکار هیچ سینماگری هیچ مشکلی ندارد و همه چیز به‌خوبی و خوشی درحال انجام است. شاید نباید انتظار داشت که خانه سینما به‌عنوان تنها نهاد صنفی سینماگران برای خانواده‌ها و بازماندگان از دست‌رفته‌گان فعالیت‌ی داشته باشد. البته بی‌انصافی نکنیم، شاید باید به حداقل‌ها رضایت داد و خوشحال بود ارتباطی صمیمی بین دولت و یک نهاد صنفی برپاست و مراسم رونمایی از پوستر دوم جشنواره فیلم فجر با تمام حاشیه‌هایش، با حضور دبیر و مدیر کاخ جشنواره و رئیس سازمان سینمایی در این مکان برگزار می‌شود.



گیسو فغفوری

تقصیر کسی نیست که این روزها با غم و از دست‌دادن همراه شده است. سرطلابی و پاتلابی فوتبال در کمتر از یک هفته درگذشتند و بعدتر ابوالحسن نجفی، ادیبی که جایگاه ویژه‌ای در ادبیات و فرهنگ ایران داشت؛ اما انگار سینماگران هم از دست تقدیر و مرگ دور و رها نیستند. در یک هفته اخیر، دو نفر از اهالی سینما درگذشتند: مراسم تشییع پیکر صدابردار فقید، بدالله نجفی، ساعت ۹ صبح دوشنبه پنجم بهمن،

سامسونگ SAMSUNG

تلویزیون هوشمند خود را به اینترنت متصل نمایید



فقط با شملت ساه
۵۲۱-۸۲۵۵

SUHDTV 4K

78J510000